

لباس سنتی کردهای ایران و عراق

منبع: کتاب جهان بینی سنتی خلق های آسیای نزدیک - مجموعه مقالات - ۱۹۹۲

• به یقین می توان گفت، که لباس سنتی کردها بندرت مورد بررسی قرار گرفته است. عملاً تحقیقی در مورد لباس کردهای ترکیه نشده است. اطلاعات مربوط به ادبیات کردهای ایران بسیار اندک می باشد.
نوشته: بوگاسلووسکایا، ترجمه: دکتر کامران امین آوه

اخبار روز: www.iran-chabar.de

پنجشنبه ۳ فروردین ۱۳۸۵ - ۲۴ مارس ۲۰۰۶

پیش سخن مترجم

دردو سده گذشته برخی از کردشناسان، مورخین و جهانگردان غیرکرد در رابطه با تاریخ، ساختار و مناسبات اقتصادی - اجتماعی و سیاسی - فرهنگی کردستان تحقیقات ارزنده ای انجام داده اند که خوشبختانه به همت مترجمان برجسته کرد آقای ابراهیم یونسی و زنده یاد محمد قاضی برخی از آن ها به زبان فارسی ترجمه شده، در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

متأسفانه هر چند که در اتحاد جماهیر شوروی سابق کتابها و مقالات بسیاری راجع به کرد و کردستان و تاریخ و ادبیات آن نوشته شده است بدلایلی مشهود منابع آنها کمتر مورد استفاده قرار گرفته یا به فارسی و کردی ترجمه شده است. نوشته ای که در اختیار علاقمندان قرار میگیرد توسط اتنوگراف روس بوگاسلووسکایا به رشته تحریر درآمده است. چنانکه از مطالب این نوشته برمی آید منابع مورد استفاده ایشان بسیار محدود و متمرکز بر لباس های موجود در موزه مردم شناسی و فرهنگ شناسی پترکیبردسن پترزبورگ، تک نگاری های هانسن، عارف، دزیگ، Al-Jadir W-Azzawioh و برخی از دانشجویمان کرد در روسیه بوده، نمی تواند در برگیرنده تمام جوانب لباس و پوشاک کردی باشد. معهذ از نظر نگارنده این سطور ترجمه و نشر هر آنچه در رابطه با کرد و کردستان است صرف نظر از دید، شیوه نگرش و جهان بینی نویسنده می تواند کمکی برای شناخت نکات ظریفی باشد که کمتر مورد توجه ما قرار میگیرد. امید است که دانشمندان، نویسندگان و فرهیخته گان کرد که واقف بر نکات ظریف تاریخ، مناسبات اجتماعی - فرهنگی و سیاسی - اقتصادی جامعه خود هستند در امر تحقیق و تاریخ نگاری علمی کوشا تر باشند تا آثار آنها منبع موثقی برای استفاده شرق شناسان، پژوهشگران و مورخین غیرکرد گردد.

* * *

جهان بینی، دیدگاه، ارزش، اعتقاد و تمام موارد مربوط به عرصه معنویات، بیشتر توسط فرهنگ شناسان (اتنوگرافها) مورد بررسی قرار میگیرد. با وجود این عملاً بخش مهمی از حیات معنوی همبود اتنیک،* مجموع نظریات زیبا شناختی آن و تمایل گروه هایی که دارای درجات مشخص اتنیک هستند از نظر می افتد. برای بیان این مسائل باید تمام جوانب حیات را به گونه ای منظم نشان داد. در پژوهش ها، مقوله زیبا شناختی تنها در بررسی پدیده های انتزاعی - فرهنگی (موزیک، رقص) یا گذار هنر در حال رشد به هنر حرفه ای ظاهر می شود، منتهی به سادگی می توان متوجه این نکته شد که حتی در مراحل اولیه تکاملی انسان نیز زیبا شناختی زندگی اجتماعی، مختص به انسان بوده است. به صورتیکه انسانها در مراحل آغازی جامعه اشتراکی از نشانه های هنری به صورت علامت و قبل از هر چیز اتنیک بهره برداری می کردند.

ابداع شیوه های انتقال اطلاعات گروه اتنیک بر بنیان پدیده « ما - آنها » و آرایش محیطی منظم در پیرامون آن، اعطای مختصات فرهنگی زبان به آن و درکی ناخودآگاه و کاملاً احساسی می باشد. همزمان پرورش و تربیت افراد جامعه در چارچوب سنت های موجود، بر پایه محیط فرهنگی و بارنگ و نمای مشخص اتنیک صورت گرفته، به آن رنگی مشخص و در واقع تصویری از زیبایی می دهد.

مفهوم « زیبا - زشت » با مفهوم « ما - آنها » پیوند داشته، خطوط روشن جهان بینی گروه های مختلف اتنیک را تشکیل می دهد. بی شک سنت پویا بوده و تحت تاثیر عوامل بیرونی و تغییرات درونی که دارای قانونمندیایی در چارچوب سنت هستند، قرار می گیرد. متأسفانه اکنون نیز طرح مشخصی برای تجزیه و تحلیل صوری ویژگی های اتنیک بسیاری از پدیده های فرهنگ مادی وجود ندارد و این در حالی است که ضرورت چنین پژوهش هایی

کاملاً احساس گشته، کمبود پرداختن به ویژگی های اتنیک‌اشیاء از همان نظر اول در مطالب منتشر شده فرهنگ شناسان مشاهده می‌شود.

لباس ملی از نقطه نظر زیباشناسی پدیده‌ای کاملاً منحصر بفرد است. از یک سو جامعه سنتی در حال رشد دارای امکانات غنی و کافی برای استفاده از مواد مختلف جهت تهیه لباس است و از سوی دیگر تغییر در پارچه و شرایط زندگی، مستمراً موجب تهیه لباس های جدید با افزودن چیزهای نو به آن میگردد. ویژگی های طبیعت انسان، خواست ها و انتخاب فردی در چارچوب سنت، موجب رشد فانتزیهای خلاق در تهیه لباس میگردد. طبیعتاً با رشد تکنولوژی سخن از سوسیوم (Socium) آن دسته از گروه های اجتماعی می رود که امکان دست یابی به مواد اولیه را دارند. برای نمونه لباس تهیدستان بیشتر از همه جنبه عمل گرایسی دارد و این در حالی است که لباس اقلیت مرفه جامعه معمولاً کمتر در رابطه با سنت بوده، بیشتر جنبه پرستیژ دارد. در نتیجه انتخاب لباس هایی که دارای نشانه های کافی سنتی هستند برای تجزیه و تحلیل ویژگی های زیبا شناختی اهمیت بسیاری دارند. لباس اقلیت میانی جامعه چون قاعده ای پاسخگوی این نیاز می باشد. در اینجا باید نقش دیگر لباس نیز مورد توجه قرار گیرد. در جوامع سنتی، لباس تقریباً بدون مشارکت صنعتگران حرفه ای تهیه می شود و همین موجب رشد قابلیت های هنری افراد میگردد.

به یقین می توان گفت، که لباس سنتی کردها بندرت مورد بررسی قرار گرفته است. عملاً تحقیقی در مورد لباس کردهای ترکیه نشده است. اطلاعات مربوط به ادبیات کردهای ایران بسیار اندک می باشد. هانسن Hansen در دهه پنجم قرن بیستم زندگی زنان کرد در عراق را برشته تحریر درآورد. تک نگاشت او سرشار از تصاویر و طرح هایی است که بدون آنها مشکل بتوان مطالب را مورد سنجش و مقایسه قرار داد. در ضمن باید به نوشته م. عارف و بویژه دزیگل Dziegiel اشاره کرد که برای نخستین بار از شیوه زیبا شناختی برای بررسی لباس های ملی اقلیت مختلف مردم در عراق استفاده کردند.

تک نگاری Al-Jadir W-Azzawioh نیز حاوی اطلاعات جالبی در رابطه با لباس های کردی است. اما از نقطه نظر زیبا شناختی، کلکسیون پوشاک و تصاویر موجود در موزه مردم شناسی و فرهنگ شناسی پترکیبر (درسن پترزبورگ-م) منبع اصلی تجزیه و تحلیل لباس کردی می باشد. در این موزه چندین دست لباس و ده ها عکس وجود دارد که بخوبی تابلوی عمومی دگرگونی لباس را در قرن بیستم تکمیل کرده، پایداری نمونه های (Stereotype) معین ثبت شده در ادبیات را منعکس می کند. لازم به ذکر است که کردها در ایران و عراق بعنوان اقلیت قومی تحت ستم مضاعف بوده، برای کسب حق تعیین سرنوشت ملی - سیاسی خود مبارزه می کنند. بی شک این مساله بی تاثیر در رابطه کردها با فرهنگ خود نمی باشد.

در قرن بیستم تغییرات قابل توجهی در لباس های سنتی تمام خلق های جهان صورت گرفت. نفوذ پارچه های کارخانه ای در کشورهای شرق نزدیک موجب دگرگونی فرهنگ مادی خلق های این منطقه شد. همزمان رشد خودآگاهی ملی موجب تشدید علاقه به لباس و بخصوص به نوع مجلسی آن گردید، پدیده ای که نگارنده این سطور در بین اعضای جمعیت کردهای لنینگراد (سن پترزبورگ کنونی) مشاهده کرده است.

لباس مردانه

هانسن در تک نگاری خود به تشریح ۲ نوع لباس کردی [رواندوزی و سلیمانیه ای] در عراق می پردازد. نتیجه گیری مولف با مشاهدات م. عارف و Al-Jadir W-Azzawioh نیز تایید می شود. کلکسیون موزه پترکیبر امکان طرح وسیعتری از آن را به ما میدهد. محدوده استفاده از نوع «سلیمانیه ای» آن به ایران نیز می رسد. محدوده پوشش لباس مردانه کردی «رواندوزی» تنها مختص به بخش معینی از کردستان [عراق] می باشد. موارد زیر وارد ترکیب لباس رواندوزی می شوند: پیراهن از پارچه نخی سفید با دوخت یکنواخت، آستین های راست و بدون زیر بغل. تک پارچه سه گوش بزرگی که به جای سردست [سورانی] دوخته می شود یکی از ویژگی های مشخص پیراهن سنتی کردها است. چنین پیراهنی در نوع «سلیمانیه ای» نیز وجود داشته، بطور کلی مختص به لباس کردی می باشد. برش زیرشلوار شبیه شلوار است، با این تفاوت که از پارچه نرم نخی تهیه می شود. لباس رو را که معمولاً از پارچه خانگی پشمی تهیه شده، روی لباس زیر می پوشند. در حال حاضر از این پارچه ها استفاده نمی شود بلکه از پارچه کت و شلوار پشمی ویا از پشم با لاوسال (lavsall) استفاده می کنند. تفاوت اساسی لباس رواندوزی با اقوام ایرانی زبان در نوع شلوار آن است. پاچه شلوار گشادتر از قسمت بالای آن است. خشتک شلوار به شکل شش ضلعی می باشد. برای دوختن شلوار و نیم تنه بالایی از یک نوع پارچه استفاده می شود. نیم تنه با قامت مستقیم بوده، دارای آستین های راست و فاقد زیر بغل است. یکی از نشانه های پراهمیت لباس رواندوزی چگونگی رنگهای شلوار و نیم تنه است. کردها از پارچه هایی که نقش های درشت،

چهارخانه و یا راه راه هستند ، استفاده می کنند. پژوهندگانی که این نوع لباس را مورد بررسی قرار داده اند برای یکبارهم ، استفاده از پارچه های ساده را یادآور نشده اند.

کفش سنتی کردها و ایرانی ها به گونه ویژه ای است. تخت کفش آنها از تکه پارچه های سخت پرس شده ساخته شده است رویی آن دارای قلابی از نخ های کلفت پنبه ای است. کردها کلاه نمادی نرمی که یک یا چند چارقد به شکل دستار روی آن بسته می شود، بر سر می گذارند. سه گوش انتهایی آستین پیراهن از زیرآستین نیم تنه بیرون آمده است. این سه گوش به دور پنجه پیچیده شده، در نزدیکی آرنج گره زده می شود. شال کمربندی چندمتری از کشمیر، ابریشم یا پارچه های دیگر نیز تعلق به این نوع لباس دارد. رنگ آن ممکن است روشن باشد. شال را پس از چند دور پیچاندن به دور کمر، به صورت ویژه ای در جلوی کمر گره می زنند. (تعداد گره ها متناسب با تعداد پیچش شال به دور کمر می باشد که معمولاً ۶ - ۵ دور است).

لباس « سلیمانیه ای » ازدو جنبه با نوع « رواندوزی » متمایز می گردد:

(۱) این نوع شلوار خاص اقوام ایرانی بوده، قسمت کمربندی آن بسیار گشاد و پاچه شلوارش تنگ است. خشتک، بزرگ و مربعی شکل بوده موجب ایجاد یک سری چین در ناحیه ران می شود.

(۲) این لباس ها از پارچه های که رنگ های ساده ای دارند تهیه می شوند. در کلکسیون ما لباس کرد کشاورز عراقی از پشم خاکستری تیره و رنگ نشده دست بافت، و لباس کردی از مهاباد (ایران) از پشم سفید ریزبافت که استادانه با ابریشم بنفش روشن روکاری شده است، وجود دارد. به غیر از این ها، گونه های دیگری نیز وجود دارند. در کلکسیون موزه، لباس کردشهرنشینی از مهاباد وجود دارد که نیم تنه بالای آن تمام ویژگی های برش سنتی را حفظ کرده است و دارای یکسری تکه ها مانند یخه و جیب های رو و تو می باشد که بطور یقین از لباس نظامی اخذ شده است. این لباس با استفاده از پارچه ابریشمی قهوه ای تیره بافت کارخانه دوخته شده است. عناصر لباس نظامی در عکس هایی که توسط هانسن و آریستاوا نیز گردآوری شده اند، مشاهده میگردد.

با توجه به نکات یاد شده ، چه چیزی لباس مردانه کردی را از لباس ایرانی ها و عربها متمایز می کند؟ مشاهدات جهانگردان در قرن نوزدهم به وضوح بیانگر چگونگی لباس سنتی کردها است. اشکال متنوع ، پویایی رنگ ها، فزونی قطر برای آراستن دستار، تفاوت رنگ ها در بخش های مختلف لباس نشانگر تلاش برای ایجاد تصویری بیاد ماندنی است که هیچ تمایلی برای هماهنگ شدن ندارد.

لباس زنانه



لباس سنتی زنان کرد در عراق بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. کلکسیون های موزه پترکبیر این امکان را می دهد تا بغیر از موارد شناخته شده، یک نوع رایج آن در ایران را نیز مجزاکرد (در این مورد به سختی می توان از سطح اختلاف گونه شناسی آنان سخن گفت). لباس زنانه کردها ی عراق در اواسط سده بیستم به شکل زیر تهیه می شد: زیر پیراهن نخی که قطعا به تقلید از لباس زیر اروپایی دوخته می شد، شلوارگشاد با خشتک مربعی نه چندان بزرگی که قسمت بالای آن از پارچه ساده و روشن تهیه شده و در قسمت کمر و میچ پا جمع می شود. بخش اساسی این نوع شلوارها از پارچه ساده نخی یا ابریشمی با رنگهای روشن دوخته شده است. روی این مجموعه، پیراهنی با برش یکنواخت، چین های مایل جنبی و آستینهای راست با سه گوش بزرگی که به جای سردست دوخته شده است، پوشیده می شود.

چنین لباسی را می توان با استفاده از پارچه های دلخواه نخی، ابریشمی و یا مخملی بنا بر بضاعت خانواده دوخت. منتهی آنچه در عکس ها جلب

توجه می کند رنگ روشن و نقش گل های درشت در تمام لباس ها است. بی شک زنان میانه سال بیشتر ترجیح می دهند لباس های تیره رنگ را به جای لباس هایی که از پارچه های ساده رنگی با نقش های کوچک سنتی ایرانی دوخته شده اند، بپوشند.

آنها روی لباس، جلیقه مخملی یا ابریشمی روشن نقش داری که روی آن سوزنکاری شده است، می پوشند. روی آن ممکن است ژاکت بلندی که برش یکنواخت، پهلوهای گشاد در قسمت پایین و آستین های راست دارد پوشیده شود. برای دوختن ژاکت از پارچه های مختلف استفاده می شود (شواهدی مبنی بر نوع پشمی آن در دست نیست) در صورت امکان آن را با نوار و گلدوزی تزئین می کنند. زنان کرد کلاهی راکه معمولاً با سکه، زنجیر و منجوق آراسته شده، بر سر می گذارند. دستاری از یک یا چند شال دور کلاه پیچیده، آن را با بندی از منگوله های نخی یا پشمی تزئین می کنند. گاه شال نازک و ساده ای روی دستار می کشند.

اطلاعات مربوط به لباس زنان کرد در عراق رومی توان با تشریح ۲ نوع لباس مجلسی موجود در موزه [پتر کبیر] تکمیل کرد. در مقایسه با زمان هانسن، در سال های اخیر تغییراتی در لباس کردی زنان بوجود آمده است. دخترهایی که از محیط روشنفکری برخاسته اند معمولاً کلاه بر سر می گذارند و برای دوختن لباس از پارچه های هم نهشته (Synthetic) استفاده می کنند.

ل. دزینگل در رابطه با تغییرات لباس کردی در آغاز دهه ۸۰ قرن بیستم می نویسد "کردها با توجه به گذار از نیمه کوچ نشینی - دامداری به کشاورزی تا حدی از نظر مادی غنی تر شده، توانسته اند ارتباط منظم و پایداری با مراکز تجاری بوجود آورند، در نتیجه سختی شرایط زندگی شان کمتر شده است". وضعیت جدید موجب تغییراتی در لباس آنها شده است. علاقه سنتی به رنگ های روشن، گذار عمومی به پارچه های هم نهشته روشن را مهیا ساخته است. در گذشته تنها خانواده های ثروتمند قادر به پوشیدن لباس های شیک و گلدوزی شده با طلا و نقره بودند ولی اکنون امکان تهیه پارچه های پلی استر تزئین شده با پولک های طلایی و نقره ای برای همگان وجود دارد.

لباس های مجلسی دانشجویان کرد عراقی از سه تکه تشکیل شده است: پیراهن، شلوار و جلیقه. برش آنها به شیوه سنتی است اما تنوع رنگ ها بی مانند و منحصر بفرد است. یکی از این لباس ها ترکیبی از پیراهن پلی استر توری بنفش روشن است که سرتاسر آن با نخ های نقره ای گلدوزی شده است، شلوار از پارچه پلی استر سبزرنگی است که با نخ فلزی قرمز رنگی روکاری شده است. روی پیراهن جلیقه سفید کوتاهی از جنس ابریشم می پوشند که نقش های درخشانی دارد.

یک دست لباس دیگر ترکیبی از پیراهن سبز رنگ، بدن نما با نقش های طلایی و شلوار سرخ زربافت و جلیقه پشمی هم نهشته آبی - سرخ است. در این لباس، رنگ ها رودرروی هم قرار می گیرند، نقش ها درشت است و به روشنی عدم هماهنگی آنان با عناصر دیگر لباس به چشم می خورد. لباس خاطره تاثیر بخشی به وجود می آورد. نگارنده امکان یافت تا لباس های مشابه را در بین شرکت کنندگان جشن نوروز در لنینگراد [سن پترزبورگ کنونی] ببیند.

در سال ۱۹۸۶ لباس یک زن متاهل و با بضاعت کرد مهابادی (ایران) را به موزه آوردند. لباس بطور چشمگیری از نوع عراقی متمایز می گردد. اگر این لباس را بر اساس تصاویر موجود در کلکسیون مورد ارزیابی قرار دهیم، بخوبی ویژگی مختص به لباس کردهای ایران متمایز می گردد. برش پیراهن یکنواخت است، قامت آن برش خطی دارد و دامنی پرچین به آن دوخته شده است. کمر پیراهن پایین تر از حد معمول است بطوریکه هنگام پوشیدن بالا کشیده می شود، در نتیجه قسمت بالا تنه روی کمر آویزان می شود.

در ترکیب این لباس شلوارهای گشاد ابریشمی (با برش سنتی برای تمام کردها) و بلوز وارد می شود. بلوز کوتاه است، تا ناحیه ران می رسد و در پهلو دارای برجستگی خاصی است. برش بلوز شبیه برش بلوز ایرانی ها است. شال کشمیری بلندی با همان گره هایی که از مشخصات لباس مردانه است، بدور کمر بسته می شود. کلاهی آراسته و پر زرق و برق به سر گذاشته شده، روی آن شالی از تور هم نهشته می کشند. رشته رنگ های لباس بسیار متنوع است: شلوار صورتی، پیراهن صورتی نارنجی با نقش و نگاره های طلایی، شال نارنجی با نقش های متنوع رنگی و بلوز به رنگ بنفش روشن با نقش های طلایی. کلاه از پارچه های قرمز و سبزه تهیه شده، و شال نارنجی است. در تصاویر، رنگ اساسی لباس ها صورتی یا نارنجی است، اما در اصل هر بخش آن دارای رنگ خاصی است که وارد هماهنگی عمومی نمی شود و قبل از هر چیز احساس ناهماهنگی ترکیب های مختلف را در بیننده برمی انگیزد که سمت و سوی آن در جهت متعادل کردن این مجموعه در تمامیت آن نیست و مجدداً خاطره تاثیر بخش پویایی بوجود می آورد. لازم به گفتن است که هیچ کدام از این ۳ دست لباس به قشرهای تهیدست جامعه تعلق ندارند.

بدین ترتیب با توجه به انعکاس بعضی از خطوط هنری جهان بینی لباس های سنتی کردها می توان به درک این نکته رسید که این لباس ها چه خطوط مشخصی از لباس ملی کردها را منعکس می کنند. یکی از ویژگی های لباس مردانه و زنانه کردها تلاش برای خودنمایی و رویارویی لباس خود با دیگران است. استقلال، غرور و سلحشوری کردها به خوبی عیان است. آنها اصالت فرهنگی خود را کاملاً حس کرده، سعی در حفظ آن دارند. منتهی در ده سال اخیر اصلاحاتی در لباس های سنتی صورت گرفته است. در شهرهای بزرگ پوشیدن روزمره لباس کردی کم رنگتر شده است. در بیشترجاها لباس سنتی نقش مجلسی را ایفا می کند و این در حالی است که در شرایط سخت، موجودیت قومی نقش ویژه ای را ایفا می کند.

کردها حتی هنگامی که دورزمین نیز هستند لباس سنتی شان را به همراه دارند و این عمل ستایش برانگیزی است. متأسفانه با تنگ شدن محیط کاربرد لباس سنتی، غنای رنگ های آن نیز کم می شود. اکنون کاملاً مشهود است که تفاوت های قبیله ای در زیباشناختی در حال از بین رفتن است. در روند شکل گیری آگاهی تمام اتنیک، ویژگی های ملی لباس از بین می رود و بیشتر به صورت نشانه های تمام اتنیک درمی آید. تاثیرات بیرونی بویژه از طریق تاثیرات زیبا شناختی مجموعه های غیراتنیک (پارچه، عناصر تزئینی و...) نیز تاثیر خود را برچگونگی لباس ملی می گذارد. تغییرشیوه نگرش و ارتباط اتنیک با جهان پیرامون بریافت زنده فرهنگی و بویژه لباس اثر می گذارد.

* واژه اتنیک در فارسی بعنوان قوم، قومی ترجمه شده است. با توجه به اینکه معادل فارسی آن در برگزیده معنی واقعی آن نیست در اینجا همان واژه اتنیک به کار برده شده است.

این مقاله قبلاً در سایت ادبیات و فرهنگ پخش شده است، اخیراً فرصتی دست داد تا با مراجعه به متن اصلی، تغییراتی در برگردان فارسی آن صورت گرفته، مجدداً در دسترس علاقمندان قرار گیرد.